

## تحلیل جامعه‌شناختی تئاتر و جایگاه آن در میان رسانه‌های جمعی ایران

دکتر تژا میر فخرایی \*

منا رجبیه فرد \*\*

### چکیده

در این مقاله ضمن بررسی و تحلیل ماهیت تئاتر، به موضوع جایگاه و کارکرد تئاتر در میان رسانه‌های نوین پرداخته ایم. از این رو با بررسی این موضوع که آیا اساساً تئاتر رسانه‌ای است با ماهیت ارتباطی و اجتماعی دست به تحلیل و تفسیر پدیده تئاتر زده‌ایم. در این پژوهش، تلاش بر آن بود تا به صورتی اکتشافی به تحلیل و بررسی این زمینه بپردازیم. روش مورد استفاده برای تبیین مطالب و اهداف پژوهش، روش کتابخانه‌ای است. هم‌چنین برای عینیت بخشیدن به مطالب گردآوری شده از تکنیک مصاحبه عمیق (کیفی)<sup>1</sup> بهره گرفتیم. جامعه مورد بررسی را هفت نفر از استادان و هنرمندان در دو حوزه تئاتر و علوم ارتباطات در بر می‌گیرند.

تحلیل‌ها نتایجی در بدست آوردن درکی نوین برای رابطه میان مخاطب (تماشاگر) و اجرای نمایش، از لحاظ ارتباطی، در این زمینه و هم‌چنین در جهت نگاهی جامعه‌شناسانه به تئاتر، از لحاظ اجتماعی، در بر داشت. از این جهت، نتایج پژوهش با توجه به بررسی‌ها، گفت و گوها و تحلیل‌هایی که صورت گرفت نشان از آن داشت که جایگاه تئاتر در کشور ما بسیار اندک و ناچیز است. تئاتر پدیده‌ای است با ماهیت ارتباطی و اجتماعی که بهره‌مند از عناصر ارتباط و کارکردهای ارتباطی است. از لحاظ جامعه‌شناختی جایگاهی مهم را داراست و انسان، بخشی جداناپذیر از این پدیده است. همین موضوع تاثیرهای عمیق و ویژگی‌های خاص تئاتر را برای ما خاطر نشان می‌سازد. هم‌چنین تئاتر قابل مقایسه با دیگر رسانه‌ها نیست. ممکن است اجرای نمایش در رادیو و یا حتی در تلویزیون تداعی‌کننده تئاتر برای مخاطب باشد اما دیگر تئاتر به معنای واقعی آن نخواهد بود. در کشور ما اگر رسانه‌های نوین آزادی بیشتری در انتخاب آثار، با تنوع بیشتر هم از لحاظ کیفی و هم از لحاظ کمی، داشته باشند شاید اجرای نمایش در این دست رسانه‌ها بتواند مخاطب را بیشتر نسبت به تئاتر علاقمند سازد و در این صورت این فرهنگ در میان مخاطبان جا بیفتد. اما اینطور که به نظر می‌آید تا این دیدگاه بسیار فاصله هست.

**واژه‌های کلیدی:** تئاتر صحنه‌ای، تله تئاتر، نمایش رادیویی، ارتباطات رسانه‌ای، کارکرد.

### مقدمه

تئاتر در طول حیات خود تا به امروز با افت و خیزهای زیادی مواجه بوده است. تئاتر حدوداً هفتصد سال پیش از میلاد مسیح زاده شد و اولین رسانه جمعی و قبل از آن هنری است که رابطه خاصی با تماشاگر و مخاطب خود دارد. در کل می‌گوییم

\* استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی

tejalayd2000@yahoo.com

\*\* دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم ارتباطات اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی  
communicate21st@hotmail.com

رسانه جمعی، زیرا با جمع و عده‌ای از افراد در زمانی واحد و کاملاً مشخص و از قبل تعیین شده به صورتی کاملاً زنده ارتباط برقرار می‌سازد.

تئاتر هنری است که دیده می‌شود، بوییده می‌شود و تقریباً تمام حواس یک تماشاگر را در بر می‌گیرد. از این جهت تئاتر در زمینه پدیدار شناختی بسیار مورد توجه واقع است. اینکه چگونه با مخاطب ارتباط برقرار می‌کند، طی چه فرایندهایی این ارتباط شکل می‌گیرد و چه کنش و واکنش‌هایی را در بر می‌گیرد.

ارتباط تئاتر با مخاطب به گونه‌ای است که کاملاً منفک از سایر وسایل ارتباطی است. تئاتر با ذهن و تخیل مخاطب خود کاملاً درگیر می‌شود و شکوه و بزرگی یک جهان را به صورتی زنده و قوی برای تماشاگر به نمایش می‌گذارد. از این جهت به دلیل گونه خاصی که در نوع صحنه و فضای اجرای خود دارد باعث می‌شود تا تماشاگر (مخاطب) تخیل خود را بکار گیرد که در این زمینه بحث مشارکت مطرح است. تئاتر با بیان تنها یک واژه می‌تواند یک صحنه و یا یک مکان و یا شخصیتی را در ذهن مخاطبانش پردازش کند.

هدف از انجام این پژوهش تحلیل تئاتر بعنوان پدیده‌ای ارتباطی و اجتماعی است. همانطور که ذکر شد می‌خواهیم به مقوله تئاتر بعنوان یک رسانه ارتباط جمعی بپردازیم و از آنجایی که رسانه‌های ارتباط جمعی دارای ماهیتی اجتماعی هستند و هم چنین جامعه همواره در پدیدآوردن اثرهای هنری موثر بوده است. بنابراین همیشه تاثیرهایی شگرف بر جامعه داشته و خواهند داشت.

در این راستا، نگاهی بر نوع ارتباط و فرایند ارتباطی تئاتر صحنه‌ای<sup>1</sup> با توجه به اجرای نمایش در دیگر رسانه‌های جمعی نیز داشتیم. در اصل می‌خواستیم ببینیم اجرای نمایش در رسانه‌های نوین چه تفاوت و تشابهی با تئاتر صحنه‌ای دارا هستند و آیا کشاندن نمایشنامه‌های تئاتری و یا اجراهای تئاتری به دیگر رسانه‌های جمعی با توجه به اینکه تئاتر همیشه دارای مخاطبان خاص خود بوده است، تفاوتی در نوع جذب مخاطب نسبت به تئاتر صحنه‌ای ایجاد می‌کنند یا خیر.

هم چنین در این پژوهش با این هدف روبرو هستیم که بدانیم جایگاه تئاتر بعنوان یک رسانه ارتباط جمعی در میان رسانه‌های ایران با توجه به ساخت تله تئاتر (تئاتر تلویزیونی) و نمایش رادیویی چیست.

تئاتر از بسیاری جنبه‌ها قابل بررسی و شناخت است ولی با این وجود با کمی منابع روبرو هستیم و این نشان دهنده این مطلب است که خیلی از جنبه‌های آن نادیده گرفته شده و کمتر به توجیه و بررسی آن پرداخته شده است.

نتایج برخی از تحقیقات نشان می‌دهند که تئاتر در ایران آن تاثیر بالایی که باید در جامعه داشته باشد، ندارد. زیرا آنطور که باید برای رشد تئاتر، زمینه و شرایط مساعد فراهم نشده است. حتی در کشور ما، تئاتر به مثابه یک رسانه در نظر گرفته نمی‌شود. این در صورتی است که: «تئاتر تنها رسانه‌ای است که این آسیب تلخ رسانه‌های جمعی در قرن بیست و یکم را ندارد و می‌تواند جایگزینی ارزنده برای رسانه‌های گاه مخرب هزاره سومی باشد. تئاتر یک رسانه جمعی است که با توجه به کارکردهای آن می‌تواند از این رسانه - هنر یک کانال متعالی که گاه خود فرستنده‌ای اخلاق مدار و منتقد است بسازد.» (دادجوی توکلی، 1388)

با نگاهی که به کارکردهای تئاتر تلویزیونی<sup>1</sup> و نمایش رادیویی در ایران در پژوهش حاضر داشتیم، با این موضوع مواجه شدیم که با ضعف‌ها و کمبودهایی در این زمینه برای تهیه متن و اجرای تلویزیونی و رادیویی روبرو هستیم. هم چنین با وجود شرایطی که برای مخاطبان وجود دارد از جمله کمبود سالن، نبود حمایت‌های کافی مالی، محدودیت‌های اجرایی و نمایشی، نبود ارتباط متقابل بین مخاطب و نمایش، به لحاظ اینکه ما همچنان به تئاتر بعنوان یک مقوله فرهنگی در سطح جامعه آنطور که باید نگاه نمی‌کنیم و از لحاظ جامعه‌شناختی پژوهش و بحث‌های کافی در این زمینه انجام نداده‌ایم، از ضعف‌هایی برخوردار هستیم و این در صورتی است که در جوامع پیشرفته، ما با یک کانال قوی ارتباطی در زمینه فرهنگی و هم چنین مقوله‌ای تاثیرگذار در جامعه مواجه هستیم. از این رو رویکردهای اجتماعی و جامعه‌شناسی تئاتر همچنان در کشور ما جا مانده است.

در صورتی که در گذشته نمایش‌های سنتی خودمان تصویری از جامعه زمان خود داشتند. اما از لحاظ تاثیرگیری و تاثیرگذاری این اتفاق در جامعه ما روز به روز کمتر می‌شود و از آنجایی که مخاطبان تله تئاتر و نمایش رادیویی در مقایسه با مخاطبان اجرای زنده تئاتری، حرفه‌ای نیستند و آشنایی کمی با اصلا خود پدیده تئاتر دارند، بنابراین رسانه‌های نوین ما نتوانستند موفق عمل کنند و با اینکه کارکرد این مدیوم‌ها در کل با اجرای نمایش به صورت زنده متفاوت و غیرقابل قیاس هستند، ولی باز نتوانسته‌اند گوشه‌ای از نقش خود را برای جلب و جذب مخاطب در سطحی شایسته بعهده بگیرند.

از این رو، «با توجه به آنکه فرایند ارتباط در تئاتر صحنه‌ای و رسانه تلویزیون ضمن برخی اشتراکات دارای تفاوت‌های بنیادینی است و از آنجا که ساختار نمایش عموماً در ابتدا از شکل‌گیری ساختار متن آغاز می‌شود، می‌بایست متن تئاتری ضمن حفظ اصالت‌های دراماتیک خود جهت تولید به صورت یک برنامه نمایشی تلویزیونی با شرایط و امکانات این رسانه منطبق گردد.» (عمادزاده، 1387: 2)

در عین حال «هیچ کدام از ویژگی‌های متناقض این دو نظام ارتباطی را نمی‌توان هم زمان با هم ایجاد نمود. بطور مثال برخورد رو در رو در تئاتر صحنه‌ای بین اجراکنندگان و تماشاگران و برخورد با واسطه در تلویزیون و سینما و یا وجود مخاطبان اندک در تئاتر صحنه‌ای و وجود مخاطبان بی شمار در تلویزیون و ... بنابر تفاوت‌های بنیادین فوق در این نظام‌های ارتباطی زیر سیستم‌های طراحی، تولید، ارائه، دریافت مخاطب و اثر بر او از عوامل و فرایندهای جداگانه‌ای تشکیل یافته‌اند که تغییر در کارکرد هر عامل سبب تغییر در کارکرد عامل دیگر می‌گردد. بنابراین در ظاهر نمی‌توان ویژگی‌های متناقض جوهره این دو نظام ارتباطی را در هم آمیخت تا به ساختاری تلفیق یافته از هر دو آنان رسید.» (همان: 210)

از جهتی دیگر «رادیو، تلویزیون، سینما ... ممکن است به عنوان پدیده‌های قدرتمند صنعت قرن با خودشان رقابتی داشته باشند اما واقعیت این است که در همه حال خدمتگزاران با نفوذی برای تئاتر بوده‌اند اتفاقاً از میان انبوه مخاطبان خود مشتاقانی از با فرهنگ‌ترین لایه‌های اجتماع برای تئاتر تربیت کرده‌اند. در واقع این‌ها مشکل اساسی تئاتر نیستند. متأسفانه تئاتر مثل سایر مصنوعات فرهنگی فراورده‌ای است مصرفی که از طرف سازندگان به جامعه تقدیم می‌شود. با این تفاوت که تئاتر هم در تولید و هم در مصرف بافت اجتماعی‌تری دارد. و لابد تشکیلات ظریف‌تری به این مناسبت گاه از درون عوامل اجرایی (نمایشگران) گاه از سوی واسطه‌های فرهنگی (مسئولان امر) و گاهی از طرف جامعه با قید و بندهایی تهدیدآمیزی روبرو می‌شود. و این ناهنجاری متقابل میان عرضه و تقاضا و واسطه در مقاطعی از زمان چنان حاد و بدخیم می‌شود که

می‌تواند تئاتر را برای مدتی متوقف کند. (آخرین نمونه این تعطیلات را در نیمه اول سال‌های 60 خودمان داشته‌ایم).» (شاهرخی، 1386: 170)

### اهمیت و ضرورت پژوهش

این موضوع از این لحاظ دارای اهمیت می‌باشد که با وجود پژوهش‌های بسیاری که در زمینه انواع رسانه‌های ارتباط جمعی از قبیل رادیو، مطبوعات، تلویزیون و سینما صورت گرفته است از جهاتی، کمتر به تئاتر که رسانه‌ای است با هنر زنده نمایش پرداخته شده است.

شاید یکی از انگیزه‌های انتخاب این موضوع و مقوله تئاتر بعنوان وسیله ارتباط جمعی این باشد که در تمام متون مرتبط با رسانه و ارتباطات، به جز چند نمونه انگشت شمار، به سینما، تلویزیون، رادیو و مطبوعات، حتی عکس و کتاب بعنوان وسایل ارتباط جمعی اشاره شده ولی به تئاتر، که نخستین وسیله ارتباطی جوامع بشری است، کمتر اشاره شده است. نگاه به تاریخ تئاتر که نشأت گرفته از تجمع‌های ابتدایی بشر است نشان دهنده ویژگی ارتباطات انسانی و جمعی این رسانه است. تئاتر را بدلیل بیان زنده و موثری که دارا می‌باشد، چنانچه طی اعصار مختلف نشان داده، می‌توان رسانه‌ای اثرگذار تلقی کرد. بنابراین نمی‌توان تاثیر و تاثر آن را بر روی جامعه و ارتباطات اجتماعی نادیده گرفت.

### سوال‌های پژوهش

از این رو، این پژوهش ضمن بررسی موارد ذکر شده در صدد پاسخ‌گویی به این سوالات است که :

- آیا تئاتر از نظر پیام‌رسانی و ارتباط با تماشاگر (مخاطب) از آن جهت که هنری زنده و پرتحرک است، رسانه‌ای با ماهیت ارتباطی و اجتماعی است؟
- جایگاه تئاتر در میان رسانه‌های جمعی ایران چگونه است؟
- رابطه متن نمایشنامه (در صحنه) با مخاطب چه تفاوت‌ها و تشابهاتی با رابطه فردی و رابطه رسانه‌ای دارد؟
- سبک‌های مختلف تئاتر، با توجه به پیدایی رسانه‌های جدید از جمله سینما، تلویزیون و رادیو و اقتباس متن‌ها و نمایشنامه‌های صحنه‌ای و بعضاً اجراهای تئاتری، چه تفاوت و تشابهاتی با یکدیگر در رابطه با مخاطب دارند؟
- آیا تله تئاتر بدلیل بخش رسانه‌تر خود و تفاوت رابطه با مخاطب تفاوتی ماهوی با تئاتر سنتی در صحنه دارد؟
- آیا نمایش رادیویی<sup>1</sup> با توجه به اینکه از اجرای رودررو و فضای دراماتیک تئاتر صحنه‌ای بی‌بهره است، با مخاطب خود رابطه‌ای عمیق‌تر برقرار می‌سازد؟
- آیا امروزه می‌توان تئاتر را همچنان بعنوان یک رسانه تأثیرگذار در زندگی اجتماعی انسان‌ها دانست؟

### پدیدارشناسی تئاتر

این مبحث، تحلیلی با هدف شناسایی ماهیت تئاتر است. ابتدا بررسی و مطالعه کوتاهی بر روی ریشه تاریخی تئاتر، هم در شرق و هم در غرب داشتیم. هم چنین بررسی‌ای بر روی سابقه نمایش و پدیده تئاتر در ایران نیز انجام دادیم. «در مورد خاستگاه تئاتر نظریات متفاوتی وجود دارد. برخی آیین‌ها را خاستگاه تئاتر می‌دانند و در واقع برخی محققان جزئی از تاریخ تئاتر می‌دانند ولی برخی دیگر منشا آیینی امروز تئاتر را داستانسرایی می‌دانند.» (براکت، 1384) در هر صورت طبق سه

1 . Radio show

دیدگاه، به نظرم ریشه تئاتر را می‌توان درست از زمان پیدایی انسان و وجود زبان و ارتباطات شفاهی در جمع بشری دانست. نمایش در شرق ریشه‌ای غنی و محکم دارد. با اینکه خاستگاه تئاتر را از غرب می‌دانند اما شرق بدلیل اسطوره‌ها و آیین‌های کهن الهام بخش برخی نمایشنامه‌نویسان و کارگردانان بزرگ غرب بوده است و همچنان هست. با اینکه منابع کمی را در اختیار داریم اما با بررسی‌های انجام شده ذکر دو نکته ضروری به نظر می‌رسد. ابتدا از این جهت که ریشه نمایش در فرهنگ شرقی از مقدسات، فلسفه و مسائل اجتماعی است. نمایش‌های شرقی هدف واحدی را دنبال می‌کنند. این نمایش‌ها انسان را به سوی تجلی و روحانیت و حالات ویژه انسانی سوق می‌دهند. از جهت دیگر، نمایش‌های شرقی همانطور که می‌دانیم در ابتدا حالت بومی و محلی داشتند. اما متأسفانه امروز در رویارویی با تئاتر و فرهنگ غربی وارد تئاتر مدرن شده‌اند و این موضوع در بعضی جهات نتایج مثبتی را بر روی جوامع این کشورها به دنبال نداشته است. تحولات رسانه‌ای مدرن در این میان بر روی نمایش‌های سنتی در کشورهای شرقی تأثیرگذار بوده‌اند و همین امر تحولاتی را در فرهنگ و تئاتر این کشورها باعث شده‌اند. در آسیا نمایش در میان تماشاگران می‌گذرد و لازمه این نمایش‌های سنتی، اشتراک میان نمایش دهنده و مخاطب است. اما با پیدایی رسانه‌های نوین این امر به صورت تکی و انفرادی درآمده که ناخودآگاه تأثیراتی را با خود به همراه داشته است.

تئاتر در غرب هم بیرون آمده از دل اسطوره‌ها و آیین‌ها است. ولی یکی از دلایل مهمی که ما هم در اینجا از لفظ شرق و غرب استفاده می‌کنیم در همین است که ماهیت این دو کاملاً از هم متفاوت و متمایز است. تمدن یونان که در اصل اولین خاستگاه تئاتر در تمدن غرب محسوب می‌شود، از سده هشتم تا ششم پیش از میلاد کم‌کم شکل گرفت. تاریخ شکل‌گیری تئاتر یونان برمی‌گردد به عوامل اجتماعی و سیاسی این سرزمین در آن زمان، که بسیار بر ساختار سیاسی - اجتماعی جامعه آن هم تأثیرگذار بوده است. تئاتر در زندگی یونانیان بسیار اهمیت داشت و افرادی که عضو این جامعه هنری محسوب می‌شدند از جایگاه ویژه‌ای در جامعه برخوردار بودند.

تئاتر بعد از امپراطوری رم و اوج قدرت کلیسای مسیحی تقریباً نابود شد. به همین دلیل حدوداً برای هفتصد سال تئاتر به معنای واقعی کلمه در اروپا از میان می‌رود. از این جهت کم‌کم نمایش‌های مذهبی از دل قرون وسطی سر بر می‌آورند. بعد از نمایش‌های مذهبی قرون وسطائی، تئاتر در اروپا در دوران رنسانس و یا عصر تجدید حیات تازه می‌گیرد و ایتالیا در این میان بیش از دیگر کشورها، از هنر به خصوص هنر تئاتر بهره فراوان می‌برد. به این صورت نمایشنامه‌نویسان بزرگی بوجود می‌آیند و دنبال آن تماشاخانه‌های بزرگی هم ساخته می‌شوند. بعد از جدا شدن تئاتر از سلطه کلیسا به علت طرفداری بورژواها و طبقه اشراف از هنر تئاتر، ابتدا هنری مختص این طبقه از جامعه شد. بعد از انقلاب صنعتی، «بخش اعظم فعالیت‌های تئاتری در اواخر سده نوزدهم دنباله منطقی سنت‌های پیشین بود. اما پس از 1875 تعدادی از نویسندگان و کارگردانان از سنت‌های نمایش گذشته فاصله‌نمایی گرفتند و تئاتر «نوین» را بنیاد نهادند، تئاتری که تا روزگار ما دوام آورده است.» (براکت، 1383: 13)

## نمایش و تئاتر در ایران

تئاتر در ایران به دنبال تغییرات اجتماعی و فرهنگی همیشه با تحولات زیادی روبرو بوده است. به همین علت در کشور ما عمر زیادی از آن نمی‌گذرد. گرچه، نمایش و آیین در فرهنگ‌مان ریشه‌ای کهن و قدیمی دارد. زمانی که تاریخچه نمایش در ایران را از ابتدا بررسی می‌کنیم شاهد تغییرات فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و مذهبی در دوران متفاوت هستیم که همین موضوع ناخودآگاه تأثیراتی را بر روی تئاتر به همراه داشته است. گاه حتی رشد آن به کل متوقف شده است. در مورد نمایش‌های پیش از اسلام، اسناد و مدارک چندانی در دست نداریم ولی بعد از ورود اسلام، بسیاری از مراسم و آیین‌های دینی و مذهبی با سنت

و فرهنگ ایرانیان درآمیخته شدند و از این زمان می‌شود که بیشتر نمایش‌ها با رنگ و بوی مذهبی دیده می‌شوند. در اواخر دوره قاجار به دلیل تحولات و پیدایی حس تجددخواهی و آشنایی با ادبیات نمایشی بر پایه فرنگی سیری جدید در هنر اجرا و نمایش بوجود می‌آید که تئاتر به شیوه غربی را شکل می‌دهد. بعد از پنج سال توقف تئاتر در دوره رضاشاه، در شهریور سال 1320 تئاتر نوین در ایران کار خود را آغاز می‌کند و بسیاری از اهل فن از این تاریخ که حدوداً تا سال 1332 ادامه می‌یابد، بعنوان دورانی پرثمر یاد می‌کنند. اما باز در سال 32، طی کودتای 28 مرداد، این عرصه به دلیل خفقان سرخورده می‌شود و فاصله‌ای را در این میان ایجاد می‌کند. در دهه 40 بعنوان رشته‌ای تحصیلی وارد دانشگاه می‌شود و افراد زیادی آموزش می‌بینند. بعد از وقوع انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی، تحولات زیادی در تئاتر ایران بوجود می‌آید و نسل جدیدی وارد این عرصه سترگ می‌شوند. اما همانطور که می‌بینیم، تئاتر در کشور ما دستخوش تغییرات و توقف‌های زمانی طولانی‌ای بوده است و همین امر ناخودآگاه تاثیرات متفاوتی را حتی بر روی نمایش‌های آیینی و سنتی نیز بدنبال داشته است.

### ماهیت نمایش و تئاتر

تئاتر از لغتی یونانی برگرفته شده و به معنای مکان و محلی است که در آن نمایش اجرا و توسط تماشاگر دیده می‌شود. یعنی اصطلاحاً به جایگاهی که تماشاچی در آن می‌نشسته و نمایش را در ساختمان تئاتر یونان باستان نگاه می‌کرده اطلاق می‌شده است. تئاتر را مقوله‌ای اجرایی و در زمره هنرهای نمایشی به حساب می‌آورند. هنرهای نمایشی را اینگونه تعریف می‌کنند: «هنرهای را که باید در حضور جمعیت نمایش داده شوند و یا به عبارت دیگر هنرهایی که با گروه تماشاگران سروکار دارند نه با فرد، هنرهای نمایشی گویند. مانند: تئاتر، کنسرت، باله» (سهراب، 1348: 6) تئاتر نوعی از ارتباط جمعی است که روایتی زنده و رودررو را با خود به همراه دارد و نمود کاوشی از ذهن انسان کنجکاو و جستجوگر است درباره جهان پیرامونش. از اجزا و عناصر متفاوتی تشکیل می‌شود. اما مهمترین ارکان را بازیگر و تماشاگر تشکیل می‌دهند. تئاتر در اصل تنها هنری است که با مخاطب مفهوم پیدا می‌کند. نیازمند مخاطب است و پیوندی ناگسستنی با آن و واکنش تماشاگران خود دارد. در اصل این رسانه تنها شکل در ارتباط جمعی است که به صورتی بی‌واسطه با مخاطب خود تقابل پیدا می‌کند و رابطه‌اش را با او شکل می‌دهد.

### تئاتر، رسانه‌ای ارتباطی و اجتماعی

یکی از اهمیت‌های تئاتر همانطور که گفته شد، رودررو بودن آن است. زیرا در ارتباطات چهره به چهره ما شاهد تاثیرگذاری و درک بیشتری در تمام رفتار و حرکات طرف مقابل خود هستیم. پس تئاتر از این جنبه غیر از گفتار، بیان و زبان بدنی را نیز به صورت زنده دربر می‌گیرد و این ویژگی، رسانه ارتباطی قوی‌ای را شکل می‌دهد. تئاتر خود را در معرض قضاوت تماشاگران می‌گذارد و باعث می‌شود تا به تفسیر رویدادها و محتوای نمایش بپردازند و در این زمینه هم به تعبیر مختلفی دست می‌یابند که خاص ویژگی تئاتر و ادبیات نمایشی است. در عین حال که نمایش و تئاتر، پدیده و فعالیت اجتماعی است و به عنوان یک تکنیک ارتباطی در میان انسان‌ها به شمار می‌رود، اما برای حفظ بقای خود نیازمند حمایت جامعه نیز می‌باشد. تئاتر همواره در سطح جوامع علاوه بر جنبه سرگرمی، در بسیاری از مواقع جنبه آگاهی‌سازی در درون جامعه را نیز بر عهده داشته است. پدیده نمایش و تئاتر از آنجا که کاملاً عنصر انسان- آن هم به صورت زنده- در آن دخیل است، پس مرتبط به رابطه او با محیط اطرافش و ذهنیاتش می‌شود و همین امر ناخودآگاه آن را تبدیل به رسانه‌ای اجتماعی می‌کند. ما با رفتن به تئاتر یا بهتر است اینگونه بگوییم که، انسانها با رفتن به تئاتر به نوعی توسط آن، دست به شناخت انسان (خود) اجتماعی می‌زنند. تئاتر به دلیل اینکه انعکاسی از جامعه است «بنا به طبیعتش وابسته به حیات اجتماعی است و هنر نمایش، کلامی است خطاب به

زنان و مردانی که در یکجا گرد آمده‌اند و نمایشی را مشاهده می‌کنند که نمایشگر زنان و مردان و موقعیت‌ها و روابط و جاهایی است که کلاً به نحوس، معرف جامعه‌اند.» (تقیان، 1374: 20)

با این اوصاف تئاتر ابزاری ارتباطی و تاثیر گذار در جامعه محسوب می‌شود و به حق نمی‌توان ویژگی‌های بارز آن را به عنوان وسیله‌ای برای بیان اندیشه، شناخت اجتماعی و همین طور برای آگاهی جمعی و موثر در بینش اجتماعی نادیده گرفت.

### فرایند ارتباطی تئاتر

بعد از بررسی‌هایی که بر روی چگونگی فرایند ارتباطی تئاتر داشتیم، بررسی‌هایی را نیز بر روی رسانه‌های نوینی چون تلویزیون شامل تئاتر تلویزیونی، رادیو شامل نمایش رادیویی و حتی سینما نیز انجام دادیم. بنابراین در بحث فرایند ارتباط در رسانه‌های نوین به این نتیجه مقایسه‌ای رسیدیم که ابتدا خود تئاتر، تعامل ارتباطی‌اش با تماشاگر، بی‌واسطه، فعال و پویاتر است به نسبت سایر رسانه‌های بوجود آمده. چون هم زنده اجرا می‌شود و هم کنش‌های ارتباطی بین بازیگر و تماشاگر به صورت رودررو و بدون واسطه رد و بدل می‌گردد. تئاتر به نسبت رسانه‌های نوین دارای تاثیر و عمق بیشتری در مسائل اجتماعی است چون رسانه‌ای است انسان محور به خاطر زنده اجرا شدن. به همین جهت مشمول اجرای پدیده‌هایی ملموس است، توسط انسان‌هایی واقعی در برابر مخاطب حاضر در محل اجرا. پس «نمایش عمدتاً عبارت از داستانی است که توسط انسان‌های واقعی در برابر تماشاگران به اجرا در می‌آید.» (اسلین، 1382: 127) و از این لحاظ تاثیرات عمیق‌تری را حتی نسبت به نمایش تلویزیونی دارا است. در هر صورت نمایش در رسانه‌های نوین چون از تئاتر صحنه‌ای نشأت گرفته شده است، تشابهات زیادی را با رسانه تئاتر دارا هستند ولی از لحاظ مخاطب، تفاوت دارند. چون طیف و تعداد مخاطبان رسانه‌های گروهی و تعاملاتشان با تماشاگر تئاتر که در اصل ارتباطی چهره به چهره است، بسیار متفاوت است و چون فرایند ارتباط در این دست رسانه‌ها با واسطه است، تاثیرات متفاوت و فرایند ارتباطی متفاوتی را نیز سبب می‌شود. همین طور در تئاتر زمانی را که مخاطب به تماشا می‌نشیند خود تعیین کرده است ولی در رسانه‌های گروهی این تهیه‌کنندگان و هنرمندان‌اند که تعیین کننده هستند.

بعد از بوجود آمدن رسانه‌های نوین به طبع پدیده نمایش که وارد این دست رسانه‌ها می‌شود، به خاطر شکل و فرم فنی، مخاطبان گسترده‌تری را در بر می‌گیرند و می‌توانند بر روی افراد بیشتری تاثیر خود را بگذارند ولی در آخر هیچکدام نمی‌توانند در مقابل اجرای زنده تئاتر، عمق بیشتر و درک بالاتری را در ذهن تماشاگران ایجاد کنند.

### دیدگاه و نظریه بزرگان تئاتر

طبق بررسی‌هایی که در پژوهش حاضر داشتیم و می‌خواهیم به آن دست یابیم، ابعاد و جنبه‌های متفاوت کارکرد تئاتر است. بعد اجتماعی تئاتر از دید بسیاری از نظریه پردازان در این زمینه، بسیار مورد بررسی قرار گرفته است. آنتوان ویتز کارگردان شهیر فرانسوی، معتقد است: «تئاتر میدان نیروهاست، میدانی بسیار کوچک، اما در آن همه تاریخ جامعه به نمایش در می‌آید و علی‌رغم کوچکی‌اش به عنوان الگوی زندگی مردم به کار می‌رود.» (ویینی، 1377: 143)

تئاتر همانطور که ذکر کردیم، در طول تاریخ با افت و خیزهایی مواجه بوده است. از دوران باستان تا قرون وسطی در خدمت مردم و برای مردم بود و حضور آن به صورت جمعی همیشه احساس می‌شد و وجود داشت. چون تئاتر برآمده از مردم بود و به حق مردمی محسوب می‌شد. حتی این ویژگی در نوع فضای صحنه در تئاترهای باستانی بیانگر برابری میان حضور مردم

بود چه از طبقه فقیر و چه از طبقه غنی. اما رفته رفته از قرن شانزدهم به بعد ما شاهد تغییراتی در نوع فضای صحنه و نوع تعاملش با تماشاگر هستیم. تغییراتی که کم کم تئاتر را مختص قشر خاصی می کرد و در حقیقت پیدایش تماشاخانه های سرپوشیده و تقسیماتی که در نوع قرارگیری تماشاگران دخیل بودند، باعث این امر محسوب می شوند. این صحنه ها که مشخصاً از تماشاگر جدا و در روبرو قرار می گرفتند را صحنه به سبک ایتالیایی می خواندند. «بویژه که صحنه دقیقاً با پرده و پیش صحنه از تماشاگران جدا می شد.» (همان : 147)

اما در قرن بیستم موجی انتقادی بوجود می آید. «مدیران تئاتر و کارگردانان بسیاری در قرن بیستم خواسته اند با این سنت «به جایگاه های مختلف تقسیم کردن» فضای تماشاخانه که دست به دست گرانی بهای بلیط داده و به دور کردن تئاتر از طبقات عامه منجر گشته بود به مخالفت بپردازند.» (همان : 147)

از اینرو، تئاتر رفته رفته دوباره به سوی مردم کشیده می شود و از آن اصطلاحاً مراسم تجملی خود که قبل تر بوجود آمده بود و اختصاصاً به طبقه بورژوا و نخبگان تبدیل شده بود، خارج شد.

تئاتر در تمام زمان ها خواسته است تا جامعه را به روی صحنه بکشاند. «هنگامی که برتولد برشت نمایشنامه گالیله را در سال 1947 در ایالات متحده آمریکا به اجرا در آورد، موضوعی از قرن هفدهم را به کار می برد تا از دانشمندان علوم معاصر آمریکا، که به چشم او گناهکار بودند زیرا با آفریدن بمب اتم دانش خویش را در اختیار جنگ قرار داه بودند، انتقاد کند.» (همان : 151)

در این بخش ما از دیدگاه دو نظریه پرداز معاصر بهره گرفتیم که با تاکید بر عنصر تماشاگر یکی از ارکان بایسته و غیر قابل حذف در هنر تئاتر، در اصل بر ویژگی اجتماعی آن نیز تاکید داشته و دارند. تئاتر شاید نتواند موجب تغییرات اجتماعی شود اما وقتی با مخاطب (تماشاگر) تعامل پیدا کرد، این ارتباطش قطع نخواهد شد و ادامه خواهد داشت. کما اینکه «زمان پس از اجرا نیز همانند زمان پیش از اجرا می تواند شامل وقایع اجتماعی باشد که در بر دارنده چیزهای دیگری است و لذت رویداد هنری را تداوم می بخشد. در جمعی که رویدادی فرهنگی را تجربه کرده اند، فرصت گفتگوی بعدی درباره آن رویداد از لحاظ اجتماعی مهم است. تماشاگران تئاتر چنان که مشهور است دوست دارند با گروه کوچکی از دوستان، خویشاوندان یا نظایر آن همراه باشند. درک و دریافت یک اجرا می تواند با مباحثات گروهی درباره همه جنبه ها، از تحسین عمومی گرفته تا پرسشهای ویژه از دیگر افراد دیگر گروه درباره نکات ریز اجرا، تداوم یابد.

تماشاگران ممکن است فراتر از گفتگو درباره اجرا، چه بلافاصله پس از آن و چه مدتی پس از اجرا، با خوانش متن (اگر در دسترس باشد) یا با مطالعه نقدها و یا بعدها با دیدن یک اجرای دیگر و یا حتی اقتباس سینمایی از روی آن، به پیگیری خود ادامه دهند.» (محسنی، 1389)

«از این گذشته، جامعه و تئاتر در جایی دیگر که از مرتبه این ملاحظات بسی عمیق تر است به هم گره می خورند. ژان دووینیو در توضیح این کار ویژه نمایش پذیری و مراسم نمایشی حیات اجتماعی می گوید جامعه هر بار که می خواهد ابراز وجود کند یا کاری سرانجام بخش انجام دهد که از تردید در ارزش و اعتبار جامعه ناشی می شود، به تئاتر توسل می جوید و می خواهد که مردم، صحنه را ترک نگویند.» (تقیان، 1374: 18)

در ابتدا بررسی ای بر روی دیدگاه برتولت برشت خواهیم داشت که به زعم بسیاری، فیلسوفی بزرگ در عرصه تئاتر است و دوم پیتر بروک، کارگردان به نام در انگلستان که در اصل با دیدگاه تاکیدی بر بازیگر، تماشاگر را عنصری بایسته و با مشارکتی فعال در تئاتر می داند. به نظر او تئاتر عین زندگی است و رابطه میان بازیگر و تماشاگر قطع نشدنی. از دید او تئاتر دشوارترین هنرها محسوب میشود. به دلیل اینکه میان سه پیوند میان بازیگر و زندگی درونی اش، بازیگر و بازیگران دیگر و میان بازیگر و تماشاگر باید هماهنگی و همزمانی دقیق و کامل ایجاد شود.

در کل تئاتر با ایجاد موقعیت بهتر و متفاوت به گونه ای باید باشد که میان تماشاگر و دنیای اطراف و اجتماعی اش کانالی در جهت فهم بهتر برای اثرگذاری بیشتر بر روی مخاطبان باشد.

### اویگن برتولت فریدریش برشت<sup>۱</sup> :

یکی از تاثیرگذارترین و برجسته ترین، نمایشنامه نویس و نظریه پرداز قرن بیستم است. او در آلمان دنیا آمد و تاثیر خود را درست در زمان بحبوحه تغییرات اقتصادی و سیاسی موجود در سطح جهان در قرن بیستم، از دهه 20 میلادی به بعد برجای گذاشت. وی معتقد بود که تئاتر باید انسان و فرد را در دیدی وسیع و در کلیت جامعه به معرض دید بگذارد. از نظر او، تماشاگر تئاتر باید به گونه ای، بخشی از نمایش شود و از این طریق به تفکر واداشته شود. «هنر دراماتیک و تئاتری برتولت برشت، تفکرآمیزترین است.

او به اثری فرم بخشیده و شیوه ای بنا کرده که تا جایی که امکان داشته باشد معنای اثر را به روشنی و وضوح می رساند. ویژگی حماسی اش در درجه اول و ویژگی دیالکتیکی اش در درجه دوم، برای آن اختیار شده که تماشاگر را قادر کند که در اقدام نویسنده پا به پای او پیش رود.» (مینون، 1383: 286)

ذکر این نکته نیز ضروری است که در واقع دیدگاه برشت فراتر از این ها بود. «تفکر برشت صرفاً به آنچه بر صحنه رخ می داد محدود نمی شد، بلکه آنچه را در میان تماشاگران اتفاق می افتاد و فراسوی آن وقایعی را که در جهان خارج از تئاتر روی می داد نیز در بر می گرفت.» (فرهاد پور، 1389: 35)

### پیتر استفان پل بروک<sup>۲</sup> :

وی متولد لندن است و آثار نمایشی اش تا حدودی تحت تاثیر تئاتر روایی برشت است. به نظر بروک، نباید تماشاگر و یا مخاطب تئاتر را مقید به عناصر صحنه پردازی و دکور کرد. از دید وی تماشاگر باید به گونه ای در اجرای نمایش به مشارکت کشیده شود و تئوری وی موسوم به «فضای خالی» در همین جا شکل می گیرد. براساس این دیدگاه، مشارکت تماشاگر در تئاتر مطرح است و به همین جهت تماشاگر می تواند بیش از پیش با اثر و نمایش ارتباط برقرار پیدا کند. بروک همیشه بر تعامل و رویارویی دو عنصر بازیگر و تماشاگر بدعت می گذارد و اهمیت آن را بیشتر از قبل آشکار می سازد.

به نقل از بروک در کتاب «تئاتر تجربی» اینگونه آمده است: «تئاتر باید برای رسیدن به ادراکی عمیق تر در قاب جهان ما بکوشد... تئاتر فقط در آن لحظه دقیقی وجود دارد که دو جهان بازیگر و تماشاگر با یکدیگر دیدار می کنند : مینیاتوری از

1 . Eugen Berthold Friedrich Brecht  
2 . Peter Stephen Paul Brook

جامعه، عالم صغیری که هر شب در داخل یک فضا فراهم می‌آید. نقش تئاتر این است که به این عالم صغیر مزه تند و سوزانی از جهان دیگر بدهد، جهانی دیگر که جهان ما در آن دگرگون و مستحیل می‌گردد.» (روز-اونز، 1388: 263)

## روش پژوهش

روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش، متکی بر دو روش کتابخانه‌ای و مصاحبه عمیق است. در روش کتابخانه‌ای، با استفاده از بررسی منابع موجود و مرتبط با زمینه پژوهش چون متون، کتب، نشریات و مجلات تخصصی دست به تحلیل و کنکاش زدیم و هم چنین برای عینیت بخشیدن به مطالب بدست آمده و اعتبار بخشیدن به پرسش‌های مطرح در پژوهش حاضر، از تکنیک مصاحبه عمیق (کیفی) بهره گرفته‌ایم.

انتخاب این روش با نظر به این که هدف پژوهش، بررسی و تحلیل جامعه شناختی مقوله تئاتر و تاثیر آن در جوامع است، صورت گرفت. از این رو با توجه به انتخاب نمونه‌ها از روش هدفمند و در دسترس برای عمق داده‌ها بهره گرفته شد. از این طریق یکسری سوال‌های مشخص در زمینه موضوع مورد بحث، برای حجم نمونه انتخاب شده طرح شد و بعد از آن، مصاحبه عمیق کیفی با هفت نفر از استادان، هنرمندان و کارشناسان ارتباطات صورت گرفت.

جامعه مورد بررسی شامل افراد زیر می‌باشد:

- نیما دهقان (کارگردان و نویسنده تئاتر)
- امیر کاووس بالازاده (روزنامه‌نگار و مدرس دانشگاه، مدیر گروه «نمایش» دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی)
- رحمت امینی (مدرس دانشگاه، کارگردان و نمایشنامه‌نویس)
- مهناز رونقی (مدرس دانشگاه، نویسنده و منتقد ادبی و هنری)
- داود صفایی (روزنامه‌نگار، مدرس دانشگاه و نگارنده مقالات در زمینه روزنامه نگاری و علوم ارتباطات)
- اعظم راوودراد (دانشیار گروه علوم ارتباطات و تدریس دروس ارتباطات تصویری در زمینه عکس و سینما، هنر و ادبیات، جامعه‌شناسی سینما با توجه به دو بعد هنر و رسانه)
- حوریه دهقان شاد (مدرس دانشگاه و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی).

از طریق مصاحبه‌هایی که با این افراد صورت گرفت به بررسی موضوع مورد نظر پرداخته شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها، که از متن گفت‌وگوها بدست آمد، به صورت کیفی و با تهیه جداولی برای پاسخ‌های هر پرسش صورت گرفت. از این رو، با توجه به یازده سوال مطرح از مصاحبه‌شوندگان، یازده جدول جداگانه برای بررسی نظرها و دیدگاه‌ها در نظر گرفته شد.

## یافته‌های پژوهش

یافته‌های بدست آمده طبق جداول زیر دسته‌بندی و تحلیل شده‌اند. سوال‌ها برای پاسخگویان به گونه‌ای طراحی شدند که هم برای هر دو حوزه (تئاتر و ارتباطات) یکسان بودند و هم از جهتی به دو حوزه مورد بحث ما (تئاتر و جایگاه آن در میان رسانه‌های نوین) نزدیک هستند.

**1. چپستی (ماهیت) رسانه‌های تئاتر :** در این زمینه، در پاسخ به این سوال که «تئاتر چگونه رسانه‌ای است؟» با دو دسته پاسخ روبرو شدیم. شش نفر از پاسخگویان معتقد بودند که تئاتر رسانه است و هر کدام ویژگی خاصی را برای آن قایل بودند. اما در دسته دومی که با آن روبرو شدیم، از میان تمام پاسخگویان تنها امینی بود که اعتقاد داشت : «تئاتر رسانه نیست.» به نظر او «تئاتر یک هنر است که ظرفیت‌های متعددی دارد. از جمله تبدیل شدن به یک رسانه.»

| جدول 1 : چپستی (ماهیت) رسانه‌های تئاتر |  |            |
|--|--|------------|
| رسانه زنده                             | دهقان ← یکی از رسانه‌های زنده است. به این معنا که مخاطبش در لحظه آن را کاملاً احساس می‌کند.                              | رسانه است  |
| رسانه دیداری- شنیداری                  | بالا زاده ← تئاتر یک رسانه دیداری- شنیداری است.  |            |
| رسانه بی‌واسطه                         | رونقی ← من تئاتر را اصلاً بیش از رسانه می‌بینم. اگر می‌خواهید با نگاه رسانه‌ای به آن نگاه کنید، بی‌واسطه‌ترین رسانه است. |            |
| رسانه اولیه                            | صفایی ← تئاتر یک رسانه قدیمی و تاریخی است و شاید یکی از ابتدایی‌ترین رسانه‌ها باشد.                                      |            |
| رسانه گروهی                            | راودراد ← تئاتر رسانه‌ای گروهی است، یعنی بین رسانه فردی و جمعی قرار دارد.  |            |
| رسانه میان فردی                        | دهقان شاد ← رسانه‌ای است که به صورت میان فردی با مخاطب ارتباط رودررو دارد.   |            |
| هنر است                                | امینی ← تئاتر یک هنر است با ظرفیت‌های متعدد، از جمله تبدیل شدن به یک رسانه.  | رسانه نیست |

بنابراین، با دسته بندی‌های متفاوتی که از این سوال بدست آوردیم و قابل مشاهده است می‌توان گفت، تئاتر رسانه‌ای است با ویژگی‌های متفاوت و قبل از آن هنری است که قابلیت تبدیل شدن به یک رسانه را دارد. از آن جهت که پیامی را به گروهی انتقال می‌دهد و گاه می‌تواند برخی از ویژگی‌های رسانه‌ای را با خود به همراه داشته باشد.

**2. تاثیرگذاری تئاتر در جامعه با توجه به دیدگاه جامعه شناختی آن :** با توجه به طرح این سوال که : «جایگاه تئاتر در زمینه جامعه شناختی و نوع تاثیرش در جامعه چگونه است؟» همه پاسخگویان معتقد بودند که این جایگاه در ایران بسیار ضعیف است و پاسخ‌هایی را که در این رابطه به طور کل بدست آوردیم ابعاد سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و هم چنین افکار عمومی را در بر گرفتند. دو نفر از پاسخگویان معتقد بودند که تئاتر بسیار تاثیرگذار است در این زمینه و هم چنین تاثیر به سزایی بر افکار عمومی دارد. دهقان شاد معتقد است که تئاتر به دلیل اینکه به مسائل روز می‌پردازد پس می‌تواند عقاید مردم را بیان کند. از این جهت «در جامعه‌ای که تئاتر به صورت آزاد بتواند خواسته‌های روشنفکران و مردم عام را توضیح دهد می‌تواند نوعی بیان افکار عمومی محسوب شود.» اما امینی در حوزه نمایش در این میان معتقد بود که تئاتر در دنیا «توانسته است تاثیرات خودش را در تحولات اجتماعی، تحرکات اجتماعی و گاهی اوقات حتی پیام‌رسانی مستقیم بگذارد.» اما در ایران این تاثیر اندک و پایین است. به دلیل اینکه هنوز بخش‌هایی از تئاتر در کشور ما به درستی شناخته نشده است.

| جدول 2 : تاثیرگذاری تئاتر در جامعه با توجه به دیدگاه جامعه شناختی آن |   |                                  |
|--|---|----------------------------------|
| تاثیرات سیاسی  | دهقان ← یک بخشی از این قضیه به فضای سیاسی کشورها بر می‌گردد. قطعاً هر اثری وقتی شروع می‌شود اساساً از دل جامعه بیرون می‌آید.  | جایگاه و اثرگذاری تئاتر در جامعه |
| تاثیرات فرهنگی   | بالا زاده ← در کشورهای پیشرفته تاثیر بسیار زیادی دارد. چون مردم به تئاتر به صورت یک مقوله فرهنگی نگاه می‌کنند.  |                                  |
| تاثیرات اجتماعی  | رونقی ← از دیدگاه جامعه شناختی، جایگاهش بسیار مهم و قابل توجه است. تاثیر گذاری تئاتر روی اجتماع قاعدتاً خیلی عظیم است اما در ایران خیلی اندک است.   |                                  |
|  | راودراد ← یک رابطه‌ای به صورت متقابل می‌تواند با جامعه داشته باشد. هنر تئاتر تاثیر خودش را بر مخاطبان خودش می‌گذارد و یکی از این تاثیراتی که می‌گذارد، تاثیر مرزبندی اجتماعی ایجاد کردن بین افراد و گروه‌های اجتماعی است. |                                  |
| تاثیرگذار بر افکار عمومی   | صفایی ← تئاتر در گذشته یک روش آموزش و یک روش سرگرم کننده بود و مفاهیم متفاوتی را ارائه می‌کرد. در ایران بخشی از نمایش‌ها که نمایش‌های مذهبی بودند، محتوا و پیامشان توده‌های مردم را جذب می‌کرد.                           |                                  |
|  | دهقان شاد ← نوعی بیان افکار عمومی محسوب می‌شود.   |                                  |
| تاثیر اندک و جایگاه پایین  | امینی ← در ایران جایگاه محکمی ندارد. بدلیل آشنا نشدن با بخشی‌هایی از تئاتر، ولی در دنیا تاثیر خود را گذاشته است.  |                                  |

در کل از طرح این سوال خود به این نتیجه رسیدیم که تئاتر تاثیرات خود را به صورت عمیق در درون یک جامعه می‌گذارد و چه بسا نقش مخاطب در این میان بسیار با اهمیت است. اما متأسفانه در حال حاضر در ایران این جایگاه محکم نیست و تاثیرات اجتماعی و فرهنگی زیادی را آنطور که باید با خود به همراه ندارد.

**3. تاثیر تئاتر بعنوان یک رسانه در زندگی اجتماعی انسان‌ها :** در سومین سوال پرسیده شد که : « آیا امروز می‌توان تئاتر را با توجه به قدمتی که تا امروز داشته و داراست، بعنوان یک رسانه تاثیرگذار در زندگی اجتماعی انسان‌ها به شمار آورد؟ ». البته این دیدگاه جامعه حاضر خودمان را نیز در بر داشت. تمام پاسخگویان طبعاً معتقد به تاثیر زیاد تئاتر در زندگی اجتماعی انسان‌ها بودند ولی پاسخ‌ها را به طور کل در دو دسته طبقه بندی کردیم. در این میان دو نفر معتقد بودند که این تاثیرگذاری در ایران بسیار پایین است. بعنوان مثال صفایی معتقد است که تاثیر بر روی قشر خاصی دارد و این تاثیرپذیری به صورت مستقیم بر روی عامه مردم نمی‌باشد و بخش‌هایی از نمایش‌های آیینی و سنتی در ایران کمرنگ شده است. اما در میان پاسخگویان، پنج نفر معتقد به تاثیرات بالای تئاتر بودند، به حدی که تا امروز نیز ادامه حیات داده است. بعنوان نمونه بالا زاده معتقد است تئاتر یک رسانه تاثیرگذار است در غیر اینصورت به اعتقاد ایشان: « با آمدن سینما و چیزهای دیگر، ماهواره و غیره باید ارتباط مردم با تئاتر قطع می‌شد ولی می‌بینید که قطع نشده است.»

| جدول 3 : تاثیر تئاتر بعنوان یک رسانه در زندگی اجتماعی انسان‌ها                      |  |
|---|--|
| دهقان ← آنقدر تاثیرگذار است که حتی در بعضی کشورها سیاستمداران همیشه از آن می‌ترسند. |  |

|                   |   |
|-------------------|---|
| بسیار تاثیرگذار   | بالا زاده ← حتما، اگر نبود با آمدن سینما و چیزهای دیگر، ماهواره و غیره باید ارتباط مردم با تئاتر قطع می شد ولی می بینید که قطع نشده است.  |
|                   | امینی ← تئاتر بعنوان یک هنر، بدلیل آن ویژگی های زنده بودنش و تاثیر گذاری های مستقیمی که دارد در جوامع، بویژه دارای فرهنگ و مترقی بسیار تاثیرگذار است.   |
|                   | رونقی ← اگر جهانی نگاه کنیم خیل زیاد است. مثلا در ایتالیا تئاترهای خیابانی و شهری که شهر به شهر کار می شد حرکت های اجتماعی ای که با خودشان داشتند آنقدر وسیع بوده که اصلا جای بحثی نیست. ولی در جامعه ما متاسفانه روز به روز دارد کم رنگ تر می شود. |
|                   | دهقان شاد ← به دلیل ارتباط تنگاتنگ با مردم می تواند بسیار تاثیرگذار باشد.   |
| تاثیر گذاری پایین | صفایی ← تاثیرش در جامعه کنونی ایران خیلی کم شده است. و در مقایسه یا سایر رسانه ها مثل سینما و غیره، خیلی خیلی قدرتش را از دست داده است.   |
|                   | راودراد ← تئاتر بعنوان یکی از هنرهاست. وقتی در رابطه متقابل با جامعه قرار دارد مسلماً همان طوری که از جامعه اثر می پذیرد، به همان نسبت هم در جامعه اثر می گذارد. ولی در جامعه ما تاثیراتش محدود به یک قشر خاصی است.                                 |

بنابراین با توجه به پاسخ هایی که ما از این سوال بدست آوردیم به نظر می رسد که تئاتر همیشه و در همه حال تاثیرات خود را در زندگی بشری به جای گذاشته و می گذارد، حتی با وجود دیگر رسانه ها و تا به امروز به حیات خود ادامه داده است. اما متاسفانه این تاثیرات در کشور ما دچار نقصان است و آنطور که باید نمی تواند تاثیرات همه گیر و گسترده تری را به همراه داشته باشد.

**4. ماهیت ارتباطی و اجتماعی تئاتر :** در این قسمت سوالی که پرسیده شد در رابطه با ماهیت ارتباطی و اجتماعی تئاتر بود. پاسخ بدست آمده از این سوال که : « آیا اساساً تئاتر از لحاظ پیام رسانی و ارتباط با مخاطب خود، رسانه ای با ماهیت ارتباطی و اجتماعی محسوب می شود؟ » این است که، تئاتر رسانه ای ارتباطی و اجتماعی است با قابلیت های وسیع و گسترده.

|  |   |
|--|---|
| <b>جدول 4 : ماهیت ارتباطی و اجتماعی تئاتر</b>                |   |
| تئاتر رسانه ای ارتباطی و اجتماعی با قابلیت های وسیع و گسترده | دهقان ← تئاتر ابعادش وسیع است و صرفاً به یک محدوده انتقال تفکری ختم نمی شود.  |
|  | بالا زاده ← با پیشرفت جهان و نزدیک شدن به آن مقوله دهکده جهانی، تئاتر هم همان کارکرد را دارد.                             |
|  | امینی ← کار پیام رسانی تئاتر حتی بیشتر از سخنرانی ها و اجتماعات دیگر می باشد.   |
|  | رونقی ← بخش کارکرد و رسانه ای یک بخش کوچک از کاری است که انجام می دهد، چون پایه فرهنگی است و خیلی خیلی قوی تر از اینهاست. |

|   |
|---|
| صفایی ← قطعاً، یک رسانه ارتباطی و اجتماعی است و گاه تاثیرگذاریش بر مخاطب زیاد است.  |
| راودراد ← تئاتر مثل یک رونوشتی از زندگی می ماند و وقتی که رونوشت زندگی است، چطور می توانیم فکر کنیم که رابطه ای با زندگی نداشته باشد. |
| دهقان شاد ← بله، زیرا به طور مستقیم هم با مسائل مردم و هم با خود آنها ارتباط دارد.  |

بنابراین در این سوال به یک جواب مشترک رسیدیم. اینکه تئاتر آنقدر به مردم، به زندگی و جهان نزدیک است که می تواند یک رسانه باشد با ماهیتی کاملاً ارتباطی و اجتماعی. که البته بعد اجتماعی آن، بعدی قوی تر است.

**5. تاثیر تئاتر در میان مخاطبان با توجه به اجرای نمایش در رسانه های چون رادیو و تلویزیون :** پاسخ به این سوال که : «آیا بردن نمایش به رسانه ای چون رادیو و تلویزیون تاثیری در سطح و کیفیت تئاتر در میان مخاطبان دارد و کمکی در این زمینه می کند؟» دو دسته پاسخ را به همراه داشت. کسانی که موافق بودند و کسانی که موافق نبودند. پنج نفر از پاسخگویان اساساً با این پرسش مخالف بودند. اما در این میان دو نفر از پاسخگویان موافق این امر بودند که شاید این رسانه ها تا حدودی بتوانند در این زمینه کمکی کنند. بعنوان نمونه بالا زاده معتقد بود که : «اگر راهی پیدا شود برای اینکه نمایش های کلاسیک و مدرن بروند روی صحنه و در واقع مردم آن ها را ببینند و با آن ها ارتباط برقرار کنند، حتی این ویژگی ها را آن رسانه ها دارند که بتوانند نقد بگذارند. یعنی از افراد صاحب نظر دعوت کنند که بیایند راجع به آن نمایش ها صحبت کنند. طبیعی است که این به ارتقاء تئاتر کشور کمک می کند.»

| جدول 5 : تاثیر تئاتر در میان مخاطبان با توجه به اجرای نمایش در رسانه های چون رادیو و تلویزیون  |       |
|--|-------|
| بالا زاده ← اگر راهی پیدا شود برای اینکه نمایش های کلاسیک و مدرن بروند روی صحنه و در واقع مردم آن را ببینند و با آنها ارتباط برقرار کنند، حتی این ویژگی ها را آن رسانه ها دارند که بتوانند نقد بگذارند.                      | موافق |
| رونقی ← تاثیر در کمیت تماشاچی دارد تاثیر در کیفیت ندارد. باز خوب است، بودنش از نبودنش بهتر است. به شرط اینکه تبدیل نشود به اینکه ما فکر کنیم که خوب، حالا تئاتر تلویزیونی اگر دیدیم این همان تئاتر است. این همان تئاتر نیست. |       |
| دهقان ← خیر، چون تله تئاتر یک مدیوم تلویزیونی است. و در کل موافق نیستیم که بخواهیم این ها را با هم مقایسه کنیم.  | مخالف |
| امینی ← تئاتر وقتی می رود در یک مدیوم دیگر، مثل تلویزیون، دیگر تئاتر نیست.   |       |
| صفایی ← مخاطب عمده اصولاً مخاطب عامی و ساده فهمی است و دنبال پیام های ساده هست. تئاتر های کلاسیک عموماً مفاهیم و پیام هایشان پیچیده است.   |       |
| راودراد ← ویژگی تلویزیون، فضایی که ما در آن با تئاتر تلویزیونی ارتباط برقرار می کنیم خیلی متفاوت است با فضایی که در آن تئاتر زنده را می بینیم و شکل و نوع توجه ما فرق می کند.  |       |

دهقان شاد ← میزان پوشش مخاطبان وسعت پیدا می کند اما از لحاظ ارتباط چهره به چهره دچار ضعف می شود.

در نتیجه با توجه به دو دسته پاسخ خود به این نتیجه می رسیم که تئاتر در رسانه های دیگر آن عمق و تاثیر مستقیم خود را که به صورت زنده بر مخاطب می گذارد، ندارد. بردن نمایش به هر یک از این رسانه ها، ویژگی رسانه ای را با خود به همراه دارد و اینگونه از تاثیر آن کاسته می شود. ولی شاید این رسانه ها بتوانند تاثیر اندکی برای جذب مخاطب عام به تئاتر داشته باشند.

**6. جایگاه تئاتر در میان رادیو، تلویزیون و سینما در ایران :** سوالی که در این زمینه مطرح شد به قرار زیر است: «جایگاه تئاتر را در میان رسانه های نوین ایران چگونه می بینید؟ ( رادیو، تلویزیون و سینما )». برخی این جایگاه را بسیار پایین می بینند و برخی این موضوع را در کل قابل مقایسه با یکدیگر نمی بینند، بلکه معتقدند هر کدام در جایگاه خود قرار می گیرند. چهار نفر از پاسخگویان این جایگاه را بسیار پایین می بینند و سه نفر این موضوع را در کل قابل مقایسه با یکدیگر نمی دانستند. بلکه معتقد بودند که هر کدام در جایگاه خود قرار می گیرند. سه نفر از پاسخگویان در حوزه ارتباطات معتقد هستند که اصولاً کارکرد و شرایط دریافت پیام در تئاتر با این رسانه ها کاملاً متفاوت است و نمی توان با قیاس اینان با یکدیگر جایگاه تئاتر را تعیین کرد.

| جدول 6 : جایگاه تئاتر در میان رادیو، تلویزیون و سینما در ایران  |               |
|---|---------------|
| دهقان ← جامعه ما هنوز آن پتانسیل علاقه مندی به تئاتر را ندارد. به خاطر همین است که رسانه هایی مثل رادیو و سینما دارند جلوتر پیش می روند.                | جایگاه پایین  |
| بالا زاده ← تئاتر در بین این رسانه هایی که اسم بردید، ماقبل آخر قرار می گیرد.   |               |
| امینی ← به لحاظ فرهنگی و تاثیر گذاری قوی تر از آن رسانه ها است. اما در ایران جایگاهش چندان مناسب نیست.  |               |
| صفایی ← جایگاه اش از نظر مخاطب و اقتصاد آن، بسیار بسیار ضعیف و شکننده است.  | غیر قابل قیاس |
| رونقی ← ما می توانیم بگوییم این رسانه ها بیایند در خدمت تئاتر قرار بگیرند برای اینکه بتوانند بیشتر معرفی اش بکنند. این ها قابل مقایسه با همدیگر نیستند. |               |
| راودراد ← تئاتر در میان این ها جایگاهی ندارد. معنی اش این نیست که از این ها ضعیف تر است، کارش چیز دیگری است.  |               |
| دهقان شاد ← این رسانه ها به پوشش وسیع و سرعت بیشتر نیازمندند در صورتی که تئاتر مخاطب محدود و سرعت کمتر جزو ویژگی های آن است.                            |               |

در تحلیل پاسخ به این سوال می توان اینگونه گفت که اگر بخواهیم جایگاه تئاتر را در ایران در میان سایر رسانه ها نگاه کنیم، تئاتر جایگاهی بسیار پایین و نامناسب دارد. زیرا آنگونه که باید به آن توجه نمی شود، هم از لحاظ مخاطب و هم از لحاظ

فرهنگی و اقتصادی و این در صورتی است که تئاتر قدرت و کارکردی فراتر از این رسانه‌ها داراست و گاه جایگاه تئاتر غیر قابل قیاس در این دست رسانه هاست.

**7. جایگاه تئاتر در میان رسانه‌های ایران با توجه به پخش تله تئاتر و نمایش رادیویی :** در پاسخ به این سوال که : «آیا تئاتر به جایگاه خوبی در میان رسانه‌های نوین ایران (به خصوص در رادیو و تلویزیون با توجه به پخش تله تئاترها و نمایش‌های رادیویی) رسیده است؟» تمام پاسخگویان بر این نظر بودند که جایگاه تئاتر حتی با توجه به پخش تله تئاتر و نمایش رادیویی بسیار کم و پائین است.

| جدول 7 : جایگاه تئاتر در میان رسانه‌های ایران با توجه به پخش تله تئاتر و نمایش رادیویی                       |                    |
|--|--------------------|
| دهقان ← واقعیت این است که کمی ترس وجود دارد از اینکه تئاتر بخواهد رشد پیدا کند.                              | جایگاه بسیار پایین |
| بالازاده ← در واقع کارهایی انتخاب می‌شود که بر مبنای سلیقه است.  |                    |
| امینی ← در ایران جایگاه خوبی ندارد.  |                    |
| رونقی ← اصلاً جایگاه مناسبی نیست و جای تاسف دارد به خاطر اینکه تئاتر یکی از پایه‌های فرهنگ یک جامعه است.     |                    |
| صفایی ← از نظر مخاطب به نظرم خیر.  |                    |
| راودراد ← رادیو و تلویزیون می‌توانند برای تئاتر تبلیغ کنند ولی نه اینکه خودشان باعث گسترش تئاتر بشوند.       |                    |
| دهقان شاد ← متأسفانه میزان پخش تله تئاترها کمتر شده است اما در مورد رادیو این رسانه مخاطبان خاص خود را دارد. |                    |

در نتیجه با توجه به پاسخ‌هایی که داشتیم، به نظر می‌رسد که تله تئاترها و نمایش‌های رادیویی موجود از کیفیت و کمیت قابل قبولی برخوردار نیستند و از این لحاظ آنطور که باید مخاطبان خود را ندارند و نمی‌توانند جذب کنند.

**8. چگونگی تاثیر تئاتر بر مخاطب با وجود رسانه‌های دیگر :** در رابطه با این سوال که : «تئاتر با توجه به جایگاه امروزش و با وجود رسانه‌هایی چون رادیو، تلویزیون و سینما که بعد از آن بوجود آمدند، چگونه مخاطب خود را تحت تاثیر قرار می‌دهد؟» با چند دسته پاسخ متفاوت روبرو بودیم. دو نفر از پاسخگویان در حوزه ارتباطات معتقد بودند که این رسانه‌ها را با تئاتر نباید مقایسه کرد و قابل قیاس با یکدیگر نیستند. از طرفی دهقان معتقد بود که تایم سریال‌های تلویزیونی مخاطبان را به گونه‌ای عادت داده است که دیگر میزان و ظرفیتشان برای دیدن تئاتری با تایم بالا کم شده و نمی‌تواند مثلاً دو ساعت تئاتر تماشا کند.

هم چنین امینی معتقد بود که اگر مکان‌های تولید بیشتر شود، کارایی‌های تئاتر برای مردم بیشتر شناخته شود و انتخاب آثار با دقت بیشتری انتخاب شود، فرهنگ‌سازی‌هایی در این زمینه صورت خواهد گرفت.

| جدول 8 : چگونگی تاثیر تئاتر بر مخاطب با وجود رسانه‌های دیگر |   |
|---|---|
| قابل مقایسه نیستند  | رونقی ← این ها قابل مقایسه با همدیگر نیستند.<br>دهقان شاد ← مخاطب تئاتر کاملاً از مخاطبان سایر رسانه‌ها جداست.  |
| پایین آمدن ظرفیت مخاطب                                      | دهقان ← مخاطب امروز ایران به سریال‌های طولانی مدت و سریال‌هایی که تایم آن‌ها چهل دقیقه یا چهل و پنج دقیقه است عادت کرده و بیش از چهل دقیقه دیگر حوصله‌اش سر می‌رود و نمی‌تواند دو ساعت تئاتر ببیند.   |
| سهولت در ارتباط   | بالا زاده ← تئاتر به دلیل زنده بودنش ارتباط با آن بسیار سهل‌تر و آسان‌تر است.   |
| فرهنگ‌سازی  | امینی ← باید برای تئاتر فرهنگ‌سازی شود.   |
| افزایش کمک‌های دولتی، سالن و تعدد اجراهای تئاتری            | صفایی ← نهادهای عمومی، NGO ها و دولت‌ها، اینان باید بیایند کمک‌های خاص و اقتصادی‌ای را برای تئاتر انجام دهند که بتوانند نمایش‌ها را نگه دارند.<br>راودراد ← آنقدر سالن‌های تئاتر زیاد باشند، آنقدر اجراهای تئاتری زیاد باشند و آنقدر وجود داشته باشد که هر کس هر لحظه خواست برود و تئاتر ببیند. |

9. ویژگی‌های ارتباط اجرای نمایشنامه به صورت زنده در مقایسه با روابط فردی و رسانه‌ای : این بخش به بحث مقایسه‌ای ارتباط رودررو، ارتباط فردی و ارتباط رسانه‌ای می‌پردازد. سوال مطرح شده به این صورت است که : «رابطه اجرای متن نمایشنامه به صورت زنده با مخاطب چه تمایز و تشابهی را در ارتباط با روابط فردی و رسانه‌ای در بر دارد؟». به نظر می‌رسد پاسخ‌های بدست آمده چند دسته متفاوت را در بر می‌گیرد.

| جدول 9 : ویژگی‌های ارتباط اجرای نمایشنامه به صورت زنده در مقایسه با روابط فردی و رسانه‌ای |   |
|---|---|
| قابل مقایسه نیستند  | دهقان ← هر کدام در فاکتورهای خود قرار می‌گیرند.   |
| شباهت دارند   | بالا زاده ← هر دو مثل رسانه عمل می‌کنند.  |
| تفاوت دارند   | امینی ← تئاتر مخاطبان را در یک فضا و سالن مشخصی مورد خطاب قرار می‌دهد. از نظر تفاوت، هر کسی می‌تواند برداشت خودش را از رسانه داشته باشد و پیام خودش را دریافت کند.        |
|   | رونقی ← رابطه تئاتر عمیق‌تر و نزدیک‌تر است.<br>صفایی ← تئاتر باعث می‌شود که فرد از محیط بیرون کنده شده و در یک محیط خاصی قرار بگیرد.<br>بنابراین، تحت تاثیر قرار می‌گیرد. |
| می‌تواند برخی خصوصیات این نوع از ارتباط را به همراه داشته باشد                            | راودراد ← ارتباط گروهی میانه این دو است. یعنی بعضی از خصوصیات ارتباطات شفاهی را دارد، بعضی از خصوصیات ارتباطات جمعی را دارد.  |

|                                  |   |
|----------------------------------|---|
| تئاتر متمایز از این نوع ارتباطات | دهقان شاد ← از ویژگی‌های آن می‌توان آشنایی بیشتر، مشابهت بیشتر و هماهنگی بیشتر با مخاطب را ذکر کرد. |
|----------------------------------|---|

در کل در نتیجه این سوال خود، متوجه شدیم که تمایزها بیش از شباهت هاست و چه بسا گاه از لحاظ ارتباط قابل قیاس با یکدیگر نیستند.

**10. تفاوت در نوع ارتباط تئاتر صحنه‌ای با نمایش رادیویی :** در پاسخ به این سوال خود که : «آیا نمایش‌های رادیویی که از ارتباط بصری هم بی‌بهره هستند نسبت به تئاتر سنتی، رابطه‌ای عمیق تر با مخاطب خود برقرار می‌سازند؟» با دو دسته پاسخ مشخص روبرو شدیم. در یک دسته پاسخگویان معتقد بودند که نمایش رادیویی می‌تواند رابطه‌ای عمیق برقرار سازد و در دسته دیگری که داشتیم، معتقد بودند که نمی‌تواند رابطه‌ای عمیق برقرار سازد.

| جدول 10 : تفاوت در نوع ارتباط تئاتر صحنه‌ای با نمایش رادیویی  |                                     |
|---|-------------------------------------|
| بالا زاده ← اگر یک نمایش رادیویی از نظر کیفی و کمی خوب باشد مطمئناً همان ارتباط را برقرار می‌کند.                       | می‌تواند رابطه‌ای عمیق برقرار سازد  |
| امینی ← ایجاد تخیل و در واقع تصاویر ذهنی‌ای که برای رادیو رخ می‌دهد، می‌تواند مخاطبان بیشتری را به سوی خودش جلب کند.    |                                     |
| صفایی ← اگر از کلام قوی و بویژه موسیقی به خوبی استفاده بکند ما می‌بینیم قدرتمند است.                                    |                                     |
| راودراد ← تئاتر و رادیو به هم شبیه‌ترند تا تئاتر و تلویزیون و شاید رادیو بتواند نقش تبلیغی بهتری برای تئاتر داشته باشد. | نمی‌تواند رابطه‌ای عمیق برقرار سازد |
| دهقان ← خیلی تاثیرگذاری تئاتر را به آن صورت که باید داشته باشد، طبیعتاً ندارد.  |                                     |
| رونقی ← کاملاً کارکردهایشان متفاوت است. آن ارتباط عمیق اگر مدنظر شماست، کاملاً با تئاتر زنده اتفاق می‌افتد.             |                                     |
| دهقان شاد ← نمایش رادیویی در شرایطی به مخاطب می‌رسد که فضای مخاطب کاملاً متفاوت از تئاتر سنتی است.                      |                                     |

**11. تفاوت در نوع کارکرد تئاتر صحنه‌ای، اجرای نمایش در رادیو و تلویزیون :** در آخرین سوال، بحث کارکردی تئاتر زنده و رودررو در مقایسه با اجرای نمایش در تلویزیون و رادیو که با توجه به تاثیرپذیری ویژگی رسانه‌ای این دو در انتقال پیام به مخاطب وجود دارد مطرح شد. سوال طرح شده به این قرار است که : «چه تفاوت‌هایی در نوع کارکرد تئاتر صحنه‌ای و رودررو با اجرای نمایش در تلویزیون و رادیو، که باز هر کدام از اینها در انتقال پیام و نوع ارتباط با مخاطب متفاوت هستند، وجود دارد؟». در پاسخ به این سوال تفاوت زیادی در میان پاسخ‌ها مشاهده نشد. تمام پاسخگویان معتقد به تفاوت در کارکرد تئاتر صحنه‌ای با تله تئاتر و نمایش رادیویی بودند.

به عنوان نمونه صفایی اعتقاد داشت که تئاتر مانند یک سینمای چهار بعدی عمل می‌کند و تمام حواس مخاطب را درگیر می‌کند. بنابراین از نظر وی با تماشای تئاتر «یک احساس واقعی» به مخاطب دست می‌دهد.

| جدول 11 : تفاوت در نوع کارکرد تئاتر صحنه‌ای، اجرای نمایش در رادیو و تلویزیون  |          |
|---|----------|
| دهقان ← حس در یک جمع بودن و واکنش‌ها را در یک نمایش دیدن. تئاتر یک آزادی‌ای در هنگام دیدن می‌دهد. اما تلویزیون این آزادی را به شما نمی‌دهد.   | تفاوت‌ها |
| بالا زاده ← اجرای رادیویی در واقع چشم شما را درگیر موضوع نمی‌کند، فقط گوش شما درگیر موضوع است. یعنی در آن کار دو حس شما درگیر است، در این کار یک حس شما. ولی به نظرم عملاً از نظر پیام رسانی و ارتباط خیلی با هم فرق ندارند اگر کیفیت‌ها خوب باشند. |          |
| امینی ← آن تاثیرگذاری‌ای که در لحظه و ایجاد نوعی فضا سازی و اتمسفر که در تئاتر وجود دارد قطعاً در تلویزیون و رادیو وجود ندارد.  |          |
| رونقی ← اگر بخواهیم کارکردی اندازه خود تئاتر که واقعی است از رادیو و تلویزیون انتظار داشته باشیم، مطلقاً این نیست.  |          |
| صفایی ← در تئاتر، وقتی شما قرار گرفتید در آن محیط، نمایش مربوط به هر دوره و هر مکانی هست شما را به آنجا می‌برد. مثل می‌خواهم بگویم، در واقع یک سینمای چهار بعدی است.  |          |
| راودراد ← تفاوتش به نوع رابطه آنها با مخاطبانشان بر می‌گردد.  |          |
| دهقان شاد ← در تئاتر صحنه‌ای مخاطب آماده برای دیدن نمایش است اما در نمایش رادیویی و تلویزیونی محیط برای دیدن یا شنیدن نمایش به این شکل آماده نیست.  |          |

از این رو از پاسخ‌های دریافتی به این سوال با این نتیجه روبرو می‌شویم که تئاتر رابطه‌اش طوری با مخاطب نزدیک است که کارکردش کاملاً از اجرای نمایش در این دست رسانه‌ها متمایز می‌گردد و شرایطی که مخاطب در دریافت پیام از رادیو و تلویزیون با آن روبرو است کاملاً متفاوت از تئاتر صحنه‌ای است. هم چنین تمام حواس مخاطب در فرایند ارتباطی تئاتر بیشتر از این رسانه‌ها درگیر است و نوع تاثیرش هم متفاوت خواهد بود. بنابراین بیشترین تفاوت با توجه به شرایط و واکنش‌های محیطی در نوع ارتباط با تماشاگر و مخاطب است.

#### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش بررسی تئاتر بعنوان پدیده‌ای ارتباطی و اجتماعی با توجه به ماهیت انسانی آن بود. از آن جهت که چارچوب نظری نداشتیم و تلاش بر تحلیل و بررسی به صورت اکتشافی بود، به همین علت با انجام مصاحبه عمیق (کیفی) که با هفت

نفر از استادان مطلع علوم ارتباطات و هنرمندان عرصه تئاتر انجام دادیم سعی بر آن داشتیم تا نگاهی پدیدارشناسانه بر روی این عرصه داشته باشیم و هم چنین با نگاهی رسانه ای خواستیم ببینیم که کارکرد تئاتر از چه ویژگی ها و فرایندهایی برخوردار است و با توجه به این مسئله جایگاه آن در میان رسانه های جمعی ایران به چه صورت است.

این به آن معناست که در این پژوهش با بررسی ها، گفت‌وگوها و تحلیل‌هایی که داشتیم به این نتیجه نایل می‌شویم که تئاتر هنر و رسانه‌ای است بهره مند از عناصر ارتباط و با کارکردی ارتباطی که خصوصیات منحصر به فرد این جریان ارتباطی و اجتماعی، آن را از سایر جریان‌های ارتباطی متمایز و شاخص می‌سازد و پیچیدگی‌هایی را ایجاد می‌کند که گاه نمی‌توان حتی آن را با دیگر رسانه‌ها قیاس کرد و در این زمره دسته بندی‌ها قرار داد. طبق دسته بندی‌هایی که از تعریف تئاتر با دیدگاه رسانه‌ای بدست آوردیم، تئاتر اولین رسانه زنده و گروهی است که گاه فراتر از یک رسانه عمل می‌کند و قبل از آن یک هنر است با قابلیت‌های متفاوت. شاید با این وسعت و ظرفیتی که تئاتر داراست نتوان آن را در هیچ دسته و طبقه بندی‌ای قرار داد. زیرا به نظر اهل فن هم قدرت تئاتر آنقدر فراتر از این‌ها است که نمی‌توان آن را محدود به گروه و دسته‌ای از تعاریف کرد.

اما طبق برخی تعاریف که از ارتباط وجود دارد، شاید بتوان گفت تئاتر جزء آن دسته از ارتباط قرار می‌گیرد که از آن طریق ذهنی بر ذهن دیگر تاثیر می‌گذارد. و چه بسا این تاثیرگذاری جنبه منفی‌ای را که در سایر رسانه‌ها شاهد هستیم در تئاتر دیده نمی‌شود. خالص بودن و شرایطی که از طریق این جریان پیام ارسال و دریافت می‌شود همیشه تئاتر را تبدیل به یک کانال تفکری کرده است. این نوع تاثیرگذاری در تئاتر با توجه به قابلیت‌ها و ویژگی‌هایی که داراست عمق و تاثیر به سزایی بر ذهن مخاطب به صورت مستقیم دارد.

از این رو در این پژوهش با بررسی و تحلیل‌هایی که صورت گرفت، به این نتیجه می‌رسیم که تئاتر دارای قابلیت و ویژگی‌های منحصر به فردی است که آن را متمایز می‌کند و تا به امروز حیاتش ادامه داشته و خواهد داشت. شاید بتوان با استفاده از رسانه‌های نوین به عنوان ابزاری برای کشاندن مخاطب به تئاتر، تبلیغاتی را انجام داد ولی بردن نمایش به این رسانه‌ها کاملاً معنایی را که ما از تئاتر ارائه می‌دهیم و با آن روبرو هستیم دگرگون و متفاوت می‌سازد و نوع رابطه‌ای که با مخاطب برقرار می‌سازند بسیار سطحی‌تر و کم دوام‌تر خواهد بود.

ممکن است اجرای نمایش در رسانه‌های جمعی شباهت‌هایی را با تئاتر صحنه‌ای در بر داشته باشند، اما به زعم کارشناسان ارتباطات و اهل فن، این قیاس از قدرت تئاتر می‌کاهد. ولی با وجود شباهت‌های کم و تفاوت‌های زیادی که با اجرای زنده نمایش دارا هستند تنها این قابلیت را در بر می‌گیرند که وجودشان لازم است تا شاید بتوانند مشوقی برای تماشاگر باشند برای کشاندن آن به سالن اجرا که البته در کنار این باز یکسری فرهنگ‌سازی برای تئاتر لازم است تا اصلاً مخاطب را به گونه‌ای با تئاتر آشنا سازیم که با آگاهی بیشتری به دیدن نمایش بنشینند. چه بسا در این صورت، مخاطب تئاتر خود را نسبت به مخاطب تلویزیون و رادیو که سطحی هستند، به نسبت پیام دریافتی آگاه‌تر می‌سازد. در کل این موضوع در کشور ما که تئاتر جایگاه پائین و نامناسبی را در میان مخاطب و نسبت به دیگر کانال‌های ارتباطی داراست نمود دارد و اگر این رسانه‌ها کار خود را به خوبی انجام دهند و نقش موثرتری را ایفا کنند، شاید بتوانند هر چند ناچیز مخاطب را به تئاتر نزدیک‌تر سازند. این امر در کشور ما محقق نخواهد شد مگر با ایجاد آزادی بیشتر در نگارش و انتخاب آثار هم در تئاتر صحنه‌ای و هم در دیگر رسانه‌ها که با بهره‌مندی از آثار متفاوت‌تر و متنوع‌تر و ساخت بهتر از این آثار، هم از لحاظ کیفی و هم از لحاظ کمی، علاقه و آگاهی را نسبت به تئاتر بیشتر می‌سازد و این فرهنگ را در سطح جامعه جا می‌اندازد و اینکه فقط محدود به یک قشر خاصی نمی‌ماند.

در این راستا، از آنجا که با برخی محدودیت‌ها، کمبود منابع و هم‌چنین دشواری‌هایی برای هماهنگی و انجام مصاحبه‌ها وجود داشت، در این زمینه بسیاری از جنبه‌ها نادیده گرفته شد. بررسی‌هایی که داشتیم قطعاً خالی از نواقص و کاستی‌ها نمی‌باشد. از این رو به علاقمندان این حوزه پیشنهاد می‌شود تا بیش از پیش به بررسی جنبه‌های جامعه‌شناختی، کارکردی و نیز پدیدار شناختی تئاتر بپردازند، چه بسا این حیطه آسیب‌شناسی‌هایی را نیز برای جامعه ما به همراه خواهد داشت. هم‌چنین وجود پژوهش‌هایی در تئاتر، از لحاظ زیبایی‌شناسی، نشانه‌شناسی و مخاطب‌شناسی بسیار خالی است.

## منابع

- اسکویی، مصطفی. (1378). *سیری در تاریخ تئاتر ایران*. تهران: نشر آناهیتا اسکویی.
- اسلین، مارتین. (1382). *نمایش چیست*. (ش. تعاونی، مترجم) تهران: انتشارات نمایش.
- براکت، اسکار.گ. (1384). *تاریخ تئاتر جهان (جلد اول)*. (ه. آزادی ور، مترجم) تهران: انتشارات مروارید.
- براکت، اسکار.گ. (1384). *تاریخ تئاتر جهان (جلد دوم)*. (ه. آزادی ور، مترجم) تهران: انتشارات مروارید.
- برشت، برتولت. (1357). *درباره تئاتر*. (ف. بهزاد، مترجم) تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.
- بروک، پیتر. (1384). *رازی در میان نیست*. (م. شهباز، مترجم) تهران: انتشارات هرمس.
- برونه، ژاک. *نمایش‌های سنتی و وسائل ارتباط جمعی در آسیای جنوب شرقی*. (س. رعدی، مترجم) مرکز اسناد فرهنگی آسیا.
- بهرامی کمیل، نظام. (1388). *نظریه رسانه‌ها (جامعه‌شناسی ارتباطات)*. تهران: انتشارات کویر.
- بیضائی، بهرام. (1387). *نمایش در ایران*. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- تقیان، لاله. (1374). *درباره تعزیه و تئاتر در ایران*. تهران: نشر مرکز.
- دادگران، محمد. (1381). *مبانی ارتباطات جمعی*. تهران: انتشارات فیروزه.
- دادجوی توکلی، سپهر. (1388). *بررسی کارکرد تئاتر بعنوان یک رسانه در ایران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم ارتباطات اجتماعی، دانشکده روانشناسی و علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی (واحد تهران مرکزی).
- روز-اونز، جیمز. (1388). *تئاتر تجربی (از استانیسلاوسکی تا پیتر بروک)*. (م. اسلامی، مترجم) تهران: انتشارات سروش.
- ساروخانی، باقر. (1388). *جامعه‌شناسی ارتباطات*. تهران: انتشارات اطلاعات.
- سهراب، محسن. (1348). *فن تئاتر*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- شاهرخی، محمد. (1386). *تأثیر دیدگاه‌های سیاسی گردانندگان رسانه‌ها در جریان تئاتر*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد نمایش، دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی (واحد تهران مرکزی).
- عماد زاده، فرهاد. (1387). *ساختار تئاتر تلویزیونی از شکل‌گیری در متن تا اجرا*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد تهیه‌کنندگی، دانشکده صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران.
- غریب پور، بهروز. (1384). *تئاتر در ایران*. تهران: مجموعه از ایران چه می‌دانم؟، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- کازنو، ژان. (1381). *جامعه‌شناسی وسایل ارتباط جمعی*. (ب. ساروخانی، و م. محسنی، مترجم) تهران: انتشارات اطلاعات.
- فرهاد پور، مراد. (1389). *ایده نمایش (مقالاتی درباره تئاتر)*. تهران: انتشارات هرمس.
- لطفی، غلامحسین. (1387). *تئاتر تلویزیونی در ایران*. تهران: انتشارات سروش.

- ملک پور، جمشید. (1364). *گزیده‌ای از تاریخ نمایش در جهان*. تهران: انتشارات کیهان.
- مینیون، پل لویی. (1383). *چشم انداز تئاتر در قرن بیستم*. (ق. صنعوی، مترجم) تهران: نشر قطره.
- ویینی، میشل. (1377). *تئاتر و مسائل اساسی آن*. (س. فتاح، مترجم) تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

سایت‌ها:

- [www.magiran.com/npview.asp?ID=2130743&ref=Author](http://www.magiran.com/npview.asp?ID=2130743&ref=Author)  
محسنی، ایران. (1389). *تئاتر، تماشاگر و واکنشها*. روزنامه رسالت.

Archive of SID

**Sociological analysis of theatre and the place of it into Iran's mass media**

**Teja Mir Fakhraei (Ph.D)\***

**Mona Radjabieh Fard\*\***

### **Abstract**

The current research is intended to study and analyze the nature of theatre and its functions and position among the new media. Thus, we studied whether theatre is a medium with social and relational nature. We attempted to study the issue through heuristic method. A qualitative in depth method was used to describe the literature and objectives of the research together with a bibliographical method for materializing the gathered data. The statistic community includes seven professors and artists in the art and communication fields.

The results indicated that theatre is not so much regarded in our country. It is considered as a phenomenon which has an important sociological position with its social and communication natures using the elements and functions of communication. It is inseparable from the society. This point indicates the significance of theatre with its special position. Also, theatre is not comparable to other media. It might seem that performing play on the radio or television would remember theatre for the audiences. However, it is not really the theatre. In our country, if the new media adopt more freedom for selecting the works with more variety qualitatively or quantitatively, performing plays in this medium may make more audiences interested than the theatre. Also, such culture may be accepted more among the audiences. But, it seems we are so far away from this objective.

**Keywords:** Scene theatre, teletheatre, radio show, media communication, function

---

\* Assistant Professor and Faculty Member-Islamic Azad University / Tehran Central Branch / tejalayd2000@yahoo.com

\*\* M.A in Social Communication sciences, Tehran Central Unit. / communicate21st@hotmail.com